

سیاسی و اقتصادی کابینه‌اش شکایت کرده، معتقد است بر قدرت رییس جمهوری در قانون اساسی افزوده نشده است، این در حالی است که اصول‌گرایان تندرو همچنان در نهادهای انتصابی بر درستی مواضع خویش در برابر اصلاح‌طلبان حکومتی پافشاری می‌کنند. اکنون با این توصیف آیا حضور دوباره‌ی وی در انتخابات می‌تواند منطقی و به صلاح کشور باشد؟

در شرایط کنونی اکثریت مجلس هفتم از آن اصول‌گرایان است و به نظر نمی‌رسد آنها رغبت چندانی به تأیید کابینه‌ی او داشته باشند. در حالی که به وزرای دولت اصول‌گرای احمدی‌نژاد هم اعتماد زیادی ندارند. حال چگونه ممکن است خاتمی حاضر شود در دولتی مشغول به کار شود که قرار است اشخاصی مانند روح‌الله حسینیان، بادامچیان، علی مطهری و سایر اصول‌گرایان وزرایش را تأیید صلاحیت کنند؟

با این همه هنوز تحلیل‌گران معتقدند اگرچه احمدی‌نژاد نتوانست شعارهای انتخاباتی خود را اجرایی کند و نفت را بر سر سفره‌ی مردم بیاورد، با این حال با جانداختن سفرهای استانی و توزیع مقطعی پول در بین مردم محروم جامعه، از شانس مناسبی برای پیروزی در دوره بعدی برخوردار است. رییس جمهوری در واقع با توزیع این پول‌ها پایگاه مستحکمی در بین مردم عامی برای خود به وجود آورده و از حمایت بسیج نیز بهره‌مند است.

با این پیش‌فرض‌ها اگر خاتمی وارد شده و نتواند رای لازم را کسب کند، به احتمال فراوان گفت‌وگوهای اصلاح‌طلبی باید برای مدت نامعلومی از صفحه‌ی سیاسی کشور حذف شود؛ که این ریسک برای این جناح در حال حاضر قابل پذیرش نیست، به ویژه اینکه بزرگان نظام هم حاضر به مخدوش شدن شخصیت سید محمد خاتمی نیستند و ترجیح می‌دهند شخص دیگری مانند مهندس موسوی در این مقطع زمانی حامل پیام اصلاحات حکومتی باشد.

به نظر می‌رسد اکنون خاتمی که پیش‌تر از اعلام کاندیداتوری امتناع می‌کرد، با بیان نام مهندس موسوی همان اجماعی که احتمال داشت در صورت حضور وی در انتخابات بین نیروهای اصلاح‌طلب برای حمایت از او به وجود آید، در مورد مهندس موسوی نیز شکل گیرد. در صورت حضور رسمی مهندس موسوی هر چند کرویی گفته که به نفع هیچ کس کنار نمی‌رود، اما دبیر کل حزب اعتماد ملی در نهایت احتمال دارد به نفع وی کناره‌گیری کند.

چرا مهندس موسوی؟

مهندس موسوی در کارنامه‌ی خود سابقه‌ی هشت سال نخست‌وزیری در دهه‌ی اول انقلاب و همزمان با جنگ هشت ساله بین ایران و عراق را دارد و پس از آن نیز به‌رغم حضور در برخی نهادهای حساس مانند مجمع تشخیص مصلحت نظام و شورای عالی انقلاب فرهنگی، زندگی خود را در حاشیه و سکوت گذرانده است.

در مورد عملکرد وی دوگونه اظهار نظر شده است. یک گروه معتقدند وی آن طور که باید نتوانست در دوران جنگ کشور را اداره کند. کمبود کالاهای اساسی، نظام



شهراد اتنی‌عشری
Shahrad42@Yahoo.com

امید در اردوگاه اصلاحات بارور می‌شود

جایگزین احمدی نژاد کیست؟

اراده برخی قدرت‌ها برای جلوگیری از ورود وی به صحنه انتخابات خبر داد.

ناظران آگاه به‌رغم تأیید فعالیت‌های انتخاباتی خاتمی معتقدند او در زمان دولت اصلاحات و با آن که مجلس اصلاح‌طلب ششم حامی سیاست‌های وی بود، نتوانست در برابر مخالفان و منتقدان دولتش تحمل آورد و بارها و بارها بحران‌های ایجاد شده، از توان و پتانسیل‌های دولت به جای پیشبرد امور صرف مبارزه با کارشکنی‌ها می‌کرد و اگر قرار باشد در مجلس اصول‌گرای فعلی مشغول به کار شود، چه تضمینی هست که او را وزرایش از این مجلس رای اعتماد بگیرند و چگونه می‌تواند با مخالفان اصلاحات کار

کند؟ از این رو هر چقدر که بیشتر وارد بحث‌های انتخاباتی می‌شد، بر دامنه‌ی شک و تردیدهایش بیشتر افزوده می‌شد، تا اینکه پس از انجام دیدارهای انتخاباتی مختلف با چهره‌های برجسته‌ی نظام، سرانجام به این نتیجه رسید که بین او و مهندس موسوی یک نفر رسماً نامزد انتخابات شود. آقای خاتمی که از سوی حامیان خود برای ورود به عرصه رقابت‌ها به شدت تحت فشار است، با نام بردن از مهندس موسوی در واقع به نوعی احتمال نامزدی خود را در انتخابات کمرنگ کرده است، زیرا وی به خوبی از قدرت حامیان احمدی‌نژاد در عرصه سیاست و حمایت ارکان نظام از او آگاه است و می‌داند در صورت آمدن به انتخابات و موفق نشدن، جناح اصلاح‌طلب برای همیشه باید با حکومت خداحافظی کند، لذا حاضر نیست چنین ریسک خطرناکی را قبول کند.

هر چند مشاوران و نزدیکانش او را از موفقیت قطعی با توجه به وضعیت سیاسی و اقتصادی کشور مطلع کرده‌اند، اما وی حاضر نیست یک رییس جمهوری «تدارک‌کنجی» باشد و بیشتر وقتش را صرف مبارزه و مقابله با اقتدارگرایان کند. خاتمی همچنین ضمن آن که بارها از کارشکنی مخالفان داخلی و بحران‌آفرینی آنان در برابر مهره‌های

شاید دی ماه سال ۱۳۸۷ به تعبیری حساس‌ترین و پرتلاطم‌ترین ماه سیاسی سال‌های اخیر کشور باشد، زیرا پس از سال‌ها انتظار بالاخره با تحولات انتخاباتی سید محمد خاتمی، مهندس میرحسین موسوی از حاشیه به متن آمد تا بار دیگر همچون سال ۷۶ انتخابات ریاست جمهوری با شور و نشاط بیشتری برگزار شود.

عمر چهار ساله‌ی دولت احمدی‌نژاد چند ماه دیگر در حالی به پایان می‌رسد که بسیاری از جناح‌های سیاسی از چپ و راست گرفته تا میانه‌رو و افراطی همگی بر ناکامی سیاست‌های اقتصادی دولت نهم صحه گذاشتند و معتقدند با تغییرات ساختاری رخ داده در بدنه‌ی اقتصاد



● **خاتمی با عنوان کردن نام مهندس میرحسین موسوی، احتمال نامزدی خود را در عرصه‌ی رقابت‌ها کمرنگ کرده است**

کشور، باید در انتخابات سال بعد زنجیره‌ای از نخبگان سیاسی و اقتصادی وارد صحنه شوند تا با استفاده از تجارب مدیران لایق، بار دیگر آرامش به فضای اقتصادی کشور بازگردد.

سید محمد خاتمی که در ماه‌های اخیر به شدت بر فعالیت‌های انتخاباتی خود افزوده است و تقریباً هر روز شاهد سخنرانی‌های او در شهرهای مختلف کشور هستیم، بارها به دلیل دغدغه‌های اصلی و احتمال مخالفت‌های گسترده با دولت احتمالی آینده، وی از تصمیم راسخ و قاطع برای حضور در این انتخابات خودداری کرده، اما هیچگاه اعلام نکرد که نامزد نمی‌شود، ولی به تدریج با نزدیک شدن به ماه‌های پایانی سال و تحرک بیشتر وی، مخالفان اصلاحات نیز بر حجم تبلیغات منفی خود علیه او افزودند تا جایی که او در یکی از سخنرانی‌هایش از

کوبنی و صف‌های طولی مردم برای گرفتن اجناس دولتی از دلایل این منتقدان به شمار می‌رود. اما گروه دیگری نیز اتخاذ سیاست یا اقتصاد دولتی او را با توجه به شرایط جنگی کشور لازم می‌دانند و می‌گویند به‌رغم جنگ و خسارات سنگین ناشی از آن، وی از عهده اداره کشور به خوبی برآمد.

هر چند نسل جوان از وی شناخت دقیقی ندارد، زیرا سکوت ۲۰ ساله وی در محافل سیاسی پرسش‌های فراوانی را ایجاد کرده، با این حال به نظر می‌رسد دیدگاه‌های وی در زمان جنگ، معتدل بوده و با تحولات روز آن هنگام همخوانی داشت.

دیدگاه اقتصادی مهندس موسوی «چپ» است، اما با گذشت ۲۰ سال از دوران نخست‌وزیری وی، هنوز برخی اصلاح‌طلبان در این خصوص تردید دارند که آیا این دیدگاه او به روز شده یا همچنان مانند گذشته مثلا به اقتصاد بسته دولتی اعتقاد دارد. هرچند در گفتگوی اخیر او به برخی از سوال‌ها پاسخ داد.

موسوی تا قبل از اصلاح قانون اساسی نخست‌وزیر ایران بود، اما با حذف این پست، میرحسین نیز عملا از راس کابینه کنار رفت و به عضویت در مجمع تشخیص مصلحت نظام رضایت داد. او در طی این سال‌ها به‌رغم اقبال زیاد جامعه برای نامزدی در انتخابات ریاست جمهوری همچنان سکوت کرد تا چهره ناشناخته‌ای برای



با آمدن میرحسین موسوی، احتمال حمایت برخی از اصولگرایان افزایش می‌یابد

مردم به ویژه جوانان باقی بماند.

صاحب‌نظران می‌گویند: اگر تا پیش از این مهندس موسوی نمی‌آمد تا شاید یک اصلاح‌طلب به ریاست جمهوری برسد، اما الان وضعیت با گذشته فرق کرده، زیرا می‌داند اگر این بار نیاید، ممکن است احمدی‌نژاد دوباره میدان‌دار عرصه سیاست شود.

با این حال در صورت پاسخ مثبت وی و حضورش در عرصه رقابت، به دلیل اینکه ذاتا قدرت‌طلب نیست و سکوت و حاشیه‌نشینی چندساله‌ای او گواه این مدعا است، امکان موفقیت او افزایش قابل ملاحظه‌ای خواهد یافت، زیرا به‌رغم اظهارات مخالفان وی، دوری او از هیاهو و جنجال‌های سیاسی به هیچ وجه به معنای به روز نبودن او نیست. وی همچنان در متن برنامه‌ها و سیاست‌های کشور قرار دارد و از نزدیک مسائل کشور را دنبال می‌کند.

برخی نیز متأسفانه به دلایل سیاسی و جناحی این گونه شایع می‌کنند که مقام رهبری با ایشان اختلاف سلیقه دارند، در حالی که مهندس موسوی با حکم رهبری به عضویت در مجمع تشخیص مصلحت نظام منصوب شده و در صورتی که به ریاست جمهوری نیز انتخاب شود، قطعاً مورد حمایت مقام معظم رهبری قرار خواهد گرفت. آقای مهندس موسوی در اوج بحران و جنگ تحمیلی به قدرت رسید و اینک نیز نفت به پایین‌ترین قیمت خود در طول چند ماه گذشته رسیده و باید در این بحران اقتصادی، شخصی وارد عرصه شود که تجربه مقابله با بحران‌ها را داشته باشد.

وی ثابت کرده که در زمان جنگ جزو معدود سیاستمدارانی بود که توانست با وجود جنگ و بحران‌های متعدد ناشی از آن، کشور را به سلامت عبور دهد. وی همچنین به دلیل حفظ ارزش‌ها و اصول انقلاب و نزدیکی دیدگاهش به اصلاح‌طلبان، جزو معدود اشخاصی است که کمتر بهانه‌ای برای تخریب شخصیت وی وجود دارد، درست برخلاف محمد خاتمی که از طرف اصول‌گرایان به شدت تحت فشار قرار دارد.

مخالفان موسوی می‌گویند: نسل جوان ما شناختی از وی ندارند، مگر در خرداد سال ۷۶ مردم به ویژه جوانان شناخت دقیقی از محمد خاتمی داشتند که به یک باره با ۲۰ میلیون رای منتخب مردم شد، پس حالا هم در صورت ورود و حضور وی در عرصه رقابت‌ها، و حمایت خاتمی و اصلاح‌طلبان از او، هم شناخت مردم نسبت به وی زیاد خواهد شد و هم آرای خاموش مردم و رای‌دهندگان بی‌طرف به سویس سرازیر خواهد شد.

با این توضیحات به نظر می‌رسد شرایط برای حضور مهندس موسوی بیشتر از خاتمی فراهم است و این می‌تواند به معنای یک نقطه عطف در تحولات اخیر کشور محسوب شود؛ زیرا آمدن وی همراه با حمایت خاتمی ضمن آن که شانس موفقیت اصلاح‌طلبان را بیشتر می‌کند، می‌تواند به نفوذ افراطیون در این جناح هم پایان بخشد.

انتخابات سال ۸۸ واقعا و به معنای واقعی کلمه شاید بیش از همیشه رقابتی باشد، زیرا یار دیرینه حضرت امام (ره) این بار برخلاف سال‌های گذشته پاسخ منفی به هواداران خود نداد تا شاید بتواند در کنار اصلاح‌طلبان معتدل و اصول‌گرایان منطقی، به وضعیت کشور سر و سامان دهد.

وی که همواره به فروتنی و تواضع نفس شهرت دارد، آن قدر محبوبیت دارد که حتی اصول‌گرایانی مانند علی لاریجانی، علی‌اکبر ناطق‌نوری، محسن رضایی و سایر اعضای این جناح از او حمایت می‌کنند و حتی با وی دیدارهایی نیز داشته‌اند. به این دلیل ارکان نظام برخلاف دوران خاتمی نه تنها با او تقابل و ستیز نخواهند کرد، بلکه بنای همفکری را با او پی خواهند گرفت.

علاوه بر این پس از اعلام خبر خاتمی مبنی بر اینکه از بین ما یک نفر (من یا موسوی) وارد عرصه انتخابات می‌شویم، به این معنا است که خاتمی کم‌کم در حال خروج از میدان است و قصد دارد تمام ظرفیت‌ها و پتانسیل اصلاحات را برای حمایت از موسوی بسیج کند تا آرای وی نیز به سمت نخست‌وزیر محبوب دوران جنگ سرازیر شود.

اما مهندس موسوی به دلیل چهره محبوبی که دارد، بعید به نظر می‌رسد بخواهد در عرصه‌ای وارد شود که فقط از حمایت اصلاح‌طلبان بهره‌مند است. وی می‌خواهد فقط در صورتی وارد عرصه شود که از حمایت همه‌ی ارگان‌ها و جناح‌های سیاسی نظام برخوردار شود تا با کمترین دغدغه و نگرانی به اداره کشور بپردازد. به هر حال تا این زمان (۲۸ دی ماه ۱۳۸۷) فقط با اعلام خبر حضور یک نام از آقایان خاتمی یا موسوی در صفحه انتخابات، ریزش نامزدهای انتخاباتی آغاز شده است، به گونه‌ای که غلامعلی حداد عادل، رییس کمیسیون فرهنگی مجلس عدم تمایل خود را برای حضور در انتخابات اعلام کرد. به دنبال وی محمدرضا باهنر نیز به نقل از علی لاریجانی خبر داد که وی نیز بنا ندارد وارد عرصه انتخابات شود. محمد هاشمی و محمدباقر قالیباف نیز به نظر می‌رسد هنوز به تصمیم نهایی در این مورد نرسیده‌اند. اعلام‌نظر خاتمی مبنی بر حضور وی یا مهندس موسوی در عرصه انتخابات علاوه بر اینکه باعث شکل‌گیری تحرکاتی در میان چهره‌ها و تشکل‌ها شده است، نظر تحلیل‌گران و فعالان امور سیاسی را نیز به خود جلب کرده، به گونه‌ای که برخی از صاحب‌نظران گفته‌اند که حضور موسوی در انتخابات به دلیل سابقه تجربیات دوران جنگ و خمیرمایه‌ی مدیریتی وی به نفع کشور و نظام است. علاوه بر این امکان اینکه صحنه سیاسی کشور باز به صورت دوقطبی شود، به پایین‌ترین حد ممکن می‌رسد.

در آن سو نیز خاتمی همان گونه که اشاره شد، هنوز پاسخی برای این پرسش پیدا نکرده که چرا و به چه دلیل نهادهای قدرت در دولت احتمالی وی باید تغییر رویه داده و با او تعامل و همکاری کنند؟ همه می‌دانند که خاتمی به لحاظ شخصیتی نمی‌خواهد قول و وعده‌ای بدهد که نتواند به آن عمل کند، بنابراین تا زمانی که به نتیجه‌ی قطعی نرسد و برای اجرای برنامه‌هایش اختیارات لازم را کسب نکند، یا به عرصه انتخابات نخواهد گذاشت.

در نهایت می‌توان اذعان کرد با ورود مهندس موسوی به انتخابات، دوران تازه‌ای از حیات انقلاب اسلامی آغاز می‌شود که پیامد آن امتداد حرکت مردم به سمت رویکرد آرمانی‌تر خواهد بود، رویکردی که تقابل جناح‌ها را محکوم می‌کند و قصد دارد از تجمیع همه نیروهای اصیل و ارزشی انقلاب برای حفظ عزت و استقلال کشور در سایه‌ی توسعه‌ی همه‌جانبه بهره‌بردارد، اگرچه هنوز به طور یقین مشخص نیست که سید محمد خاتمی می‌آید یا خیر، اما در هر حال سال آینده سال آسانی برای اصول‌گرایان نخواهد بود. ▲